



اصلاح قانون کار یا تسهیل چپاول و سرکوب کارگران !

با ارائه لایحه اصلاح قانون کار از سوی دولت روحانی به مجلس شورای اسلامی، پرده تازه ای از برنامه های دولت "امید" و "تدبیر" روحانی جهت یورش همی جانبه به حقوق کارگران رو نمائی شد.

با علنی شدن لایحه مزبور که در قالب یک ماده واحده و ۸۶ تبصره تهیه و برای نمایندگان دهمین مجلس شورای اسلامی ارسال شده است، دیگر جای انکار نیست که چرا دست اندرکاران جمهوری اسلامی به مثابه نمایندگان سرمایه داران از مدت ها پیش از ضرورت تغییر اساسی قانون کار سخن می گفتند. حتی نگاهی گذرا به تبصره های پیشنهادی دولت در این لایحه نشان می دهد که لایحه نویسان با یورش وحشیانه به حقوق کارگران که هم اکنون با مشقت زندگی خود را می گذرانند ، به هر ترفندی متوسل شده اند تا بتوانند مواد قانون ضد کارگری فعلی را با شدتی بیشتر از قبل به نفع سرمایه داران و علیه کارگران تغییر دهند.

اصلاحات پیشنهادی دولت روحانی ، موارد اساسی و گسترده ای را در بر می گیرند. این موارد از جمله شامل تعریف قرارداد کار و مدت آن (ماده ۷)، شرایط فسخ قرارداد کار (ماده ۲۱) ، نقش نهادهای صنفی و نمایندگان کارگران در جریان اختلاف بین کارگر و کارفرما و چگونگی اخراج کارگر (ماده ۲۷) و جانشین کردن "کمیته های انضباطی" به جای آن ها می گردد. بر اساس این پیشنهادات ضدکارگری که زیر نام "اصلاح" ارائه گشته است؛ قرار است "سازمان تأمین اجتماعی" (ماده ۲۲) عملاً حذف شده و راه برای حضور بیمه های خصوصی تحت عنوان "صندوق بیمه ای ذی ربط" باز گردد. اگر روی همین اقدام ، اندکی تعمق کنیم خواهیم دید که این خود عملاً باعث پیمان شدن حق بیمه کارگران شده و امکان و امید به بقای هزاران تن از کارگرانی که به طور روزمره در اثر سودجویی های سرمایه داران از کار اخراج شده و یا بی کار می گردند را هر چه محدودتر خواهد ساخت. واقعیت این است که با توجه به سطح دستمزدها و حقوق ناچیز کارگران که تازه هیچ گاه به طور مرتب به آن ها پرداخت نمی گردد، کارگران برای بیمه شدن در سیستم خصوصی قادر به پرداخت مبلغ لازم نشده و عملاً دسترسی به بیمه بی مسمای "ذی ربط" برای آن ها هر چه محدود و محدودتر خواهد شد.

در اصلاحات قانونی فوق الذکر ، حتی ماده ۴۱ قانون فعلی هم از تهاجم اخیر دست اندرکاران دولت روحانی در امان نمانده است. پیش از این بر اساس این ماده در اسفند ماه هر سال ، حداقل دستمزد کارگران بر مبنای دو شرط یعنی میزان تورم اعلام شده از سوی بانک مرکزی و سبد معاش خانوار ، تعیین می شد. اما اکنون لایحه نویسان دولت روحانی شرط "شرایط اقتصادی کشور" را نیز به دو شرط قبلی اضافه کرده اند که معنی آن جز این نیست که هر سال به بهانه وضع بد "شرایط اقتصادی کشور" دو شرط قبلی را کنار زده و بی توجه به تورم دائماً رشد یابنده در ایران و بدون اعتنا به رابطه تورم با سبد معاش خانواده های کارگری ، به میل خود به تعیین حداقل دستمزد بپردازند. آن ها با این شرط نه تنها عملاً سدی در مقابل چندرغازی که گاه گاهی به حداقل دستمزد کارگران اضافه می شد ایجاد کرده اند ، بلکه دست خود را برای پائین آوردن هر چه بیش تر حداقل دستمزد نیز باز گذاشته اند.

واقعیت این است که تمامی پیشنهادات دولت روحانی در لایحه ارائه شده مزبور علیه منافع کارگران و در تخالف با سرنوشت تک تک کارگران قرار دارد. این اصلاحات بدون شک به پیمان شدن بیشتر حقوق کارگران و سقوط هر چه بیشتر خانواده های کارگری به مرداب فقر و گرسنگی و محرومیت فزون تر منجر خواهد شد.

در چنین شرایطی است که واقعیت زندگی، در عمل راهی جز مقاومت و مبارزه با این هجوم دولت به حقوق کارگران را در مقابل کارگران مبارز ایران قرار نمی دهد. کارگران آگاه و مبارز ما در این زمینه از تجارب کاملاً مثبتی برخوردارند. آن ها به خاطر دارند که چطور اعتراضات و مبارزات آن ها در سال های اول دهه ۶۰ باعث شد که لویح ضد کارگری وحشیانه ای که از سوی مزدوران جمهوری اسلامی از جمله احمد توکلی ارائه می شد، عملاً به زباله دان تاریخ انداخته شود. توکلی مزدور حتی قصد داشت با "کارپذیر" نامیدن کارگران رسماً نام این طبقه را هم از آنان بازستاند. با توجه به این تجارب است که امروز کارگران ما باید با هر آن چه در توان دارند هر چه گسترده تر در مقابل این یورش کارگر ستیزانه جدید دولت به مقاومت بپردازند. به خصوص لازم است که کارگران آگاه اجازه ندهند که ایادی جمهوری اسلامی در نهاد های خود ساخته با تبلیغ و توسل به انتقادات آبکی نسبت به این لایحه، کارگران را به این انتقادات و بازی در بساط خود مشغول کرده و با ریاکاری های خود سیاست های ضد خلقی و کارگر ستیزانه سرمایه داران رذل و زالو صفت حاکم بر کشور را به آن ها تحمیل نمایند.

مسلماً مبارزه برای حقوق صنفی مبارزه برحقی است که کارگران ما علیرغم همه شرایط دشوار موجود به درستی به آن دست می زنند. در عین حال تجارب خونین ناشی از ۳۸ سال حاکمیت رژیم کارگر ستیز جمهوری اسلامی در دفاع از سرمایه داران و حراست از نظام سرمایه داری حاکم بر ایران با اتکا به یک دیکتاتوری وحشیانه، این واقعیت را نشان داده که تدوین قانون کاری که منافع کل طبقه را منعکس سازد مستلزم وجود دموکراسی و یک سیستم حکومتی دمکراتیک است. امری که اولین شرط تحقق آن سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و نابودی نظام سرمایه داری وابسته حاکم می باشد.

بکوشیم فریاد کارگران علیه لایحه ضد کارگری دولت روحانی جهت به اصطلاح اصلاح قانون کار و در واقع تسهیل چپاول و سرکوب کارگران را هر چه گسترده تر پژواک داده و ضمن دفاع و حمایت از مبارزات آن ها در جهت تسهیل شرایطی که به سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و نابودی نظام ظالمانه سرمایه داری منجر می شود، فعالانه حرکت کنیم.

هر چه گسترده تر باد مبارزات طبقه کارگر

نابود باد رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی

چریکهای فدائی خلق ایران

مهر ۱۳۹۵